

بخش هشتم

زیور و آراستگی

این بخش دارای ۴۲۱ نام میباشد.

آبافت - پارچه‌ای گرانبها •
آبفت - (مانند پادرد) :نگ به آبافت
آخین - زیب • زیور • آرایش • غانون •
آخینا - با زیب و زیور • پیراسته • خوب
آخین بانو - بانوی آراسته و زیبا •
آخین پیرا - پیرایش یافته • آراسته •
آخین تاج - زیور تاج • آراسته و زیبا •
آخین دخت - دختر آرایش یافته و با
 زیور • پیراسته و زیبا •
آخینه - زیور یافته • پیراسته •
آرا - پیراسته • آراسته •
آرایانو - بانوی آراسته و زیبا •
آرا داد - آفریده آراستگی و زیور •
آرا دخت - دختر پیراسته و با زیور
آرا زاد - آفریده زیور و زیب و آراسته
آراستک - زیور یافته • آماده • نیک •
آراسته - نگ به آراستک •
آرافر - فرزیبایی • فروغ پیرایش
 و آراستگی • به سامان و نیک •
آرایه - پیراسته • آراسته •
آرسته - (مانند وارسته) : آراسته ،
 توانا • نیرومند و خوب •
آرمون - پول • زر •
آسا - آرایش • زیب و زیور • شکوه •
 آسودن • آیین •
آسانا - آسایش • آرایش • زیب و زیور
آسیمن - زیور و زیب • پیراستگی •
آغرده - (مانند پاکرده) : جامه نازک •

آل - سرخ نیمرنگ و زیبا •
آلا - سرخرنگ دلچسب •
آلگونه - سرخاب رخساره برای زیبایی
آمای - آرایش ده • آراینده • ساخته •
آموده - آراسته • ساخته • زیور داده •
 مروارید • گوهر •
آوام - رنگارنگ • زیبا •
آویزه - گوشواره •
ابرش - (مانند مهوش) : رنگ سرخ و
 سپید آمیخته • اسب چند رنگ •
ابرنجین - (مانند فروردین) : پایند
 ها و دستبندهای زرین و سیمین •
ابریشم - پرند • پرنیان •
ادوتک - (مانند سرهنگ) : آیین •
ارمکا - (مانند سرهوا) : خاکستری •
اشنا - (مانند پروا) : گوهرهای گران •
انگشتر
انگشتری
ایاره - دستبندهای سیمین و زرین •
ایواز - آراسته • پیراسته •
بادامه - نگین و مهر انگشتر • هر
 جنس زیبا و زیوری و غشنگ • پیله
 ابریشم • مانند بادام •
باکند - (مانند پازند) : نگین • یا کند •
بالکانه - دریچه تلایی یا سیمین و با
 زیور که از درون میتوان برون را

دید و وارون آن نتوان •
باهت - (مانند باده) : سنگی زیبا به
 رنگ سپید که نگرستن به آن شادی
 میدهد و خرمی میآفریند •
بدخش - سنگ گرانبها •
 بدخشان
بدخشان - سنگهای گرانبها • نام
 شهری که این سنگها در آن است •
برآمن - یاغوت سرخ • پارچه ابریشمی
 رنگارنگ و نام گلی زیبا •
براز - (مانند سوار) : آرایش • زیور •
 زیب • آراستگی • برازندگی • زیبایی •
برمان - (مانند فرمان) : ابریشم •
برنو - (مانند بدخو) : دیبای زیبا
 و ابریشم نازک •
برنون - (مانند بدخوی) : برنو •
برهون - (مانند مهروی) : آرایش •
 زیور • زیب • آذین •
بساک - (مانند زمان) : تاج گل •
بسته - (مانند دسته) : پرنیان پر
 نگاره • نام آهنگی •
بشار - (مانند بناز) : زری که به
 فرمان شاه بر سر کسی ریزند • هرچیز
 تلاکوب و نغره کوب •
بلادر - (مانند بهادر) : پیرایه
 و زیور زنان • میوه درختی است •
بوران - گلگون • سرخ فام •
بهارستان - انبوب بسیار زیبا

و بیهمتا و بافته از نگاره های زرین
 که نمودار بهار بودو به دستور عمر
 و عثمان و علی تازی ، پاره پاره شد
 و به تاراج رفت •
بهرامه - (مانند شهنامه) : ابریشم •
 جامه سبز • بیدمشک •
بهرنگ - رنگ زیبا و خوب • دادگر •
بهروزه - بلور کبود • شادروز • نیک •
پام - رنگ • زیبایی • غشنگی •
پارنجن - (مانند آکندن) : پایندهای
 زرین و سیمین و دستبندهای
پایون - زیور • آرایش • پیرایه •
پاهنگه - چنبره تلایی پا •
پتر - (مانند کمر) : دستبندتلا و
 نغره • زیور های دست •
پراخین - با زیور • با فروغ • زیبا •
پرچم - نشان هر کشور •
پرن - (مانند سمن) : ابریشم • پروین
پرنا - (مانند درجا) : دیبای رنگین •
پرند - ابریشم • شمشیرآبدار •
پرندآسا - ابریشمین مانند • زیبا •
پرن بانو - بانوی ابریشمین •
پرندخت - دختر ابریشمین •
پرندیان - ابریشمی •
پرندیس - ابریشم مانند •
پرندین - ابریشمین •
پرنگینه - (مانند پسندیده) : فیروزه

مانند • ابریشمی • پرنندین •
پرنو - (مانند بدگو) : دیبای نگارین
پرنون - (مانند افسون) : دیبای پر
 نگار و نازک و زیبا •
پرنیان بانو - بانوی ابریشمین •
 زیبا • نرم تن • غشنگ • گیرا •
پرنیان دخت - دختر ابریشمین •
پیاله - (مانند بمانه) : ساغر بلورین
 و نوشیدن باده و می ناز •
پیچو - (مانند بیمو) : زر و زیور سر
پیرا - آراستگی • پیراستگی •
پیراسته - آراسته • سامان ده • زیبا •
پیرایش - زیور دادن • آراستن •
پیراینده - زیباگردان • زیورده •
پیرایه - آرایش • زیور • پیرایش •
پیروچک - (مانند پیروزه) : فیروزه
پیروزه - سنگ گرانها • گوهر •
پیروزه گون - همانند پیروزه •
پیماره - (مانند پیکاره) : گردنبند
 تابا - زر و زیور • تلا •
تاج
تاج آفرید
تاج آفرین
تاج افروز
تاج بانو
تاج دخت
تاج فر

تاج فروغ
تاج گل
تاج گوهر
تاجماه
تاج مهر
تاجی
تاجیک
تاجینه - تاجدار • زیبا • آراسته •
تارلا - (مانند بازپا) : نگاره • سرود
 و نغمه • جوان • زیور و زیب •
تاژ - پارچه نازک • سرپوشک زیبا •
تاک زرین - باغستان پراز گوهرهای
 گوناگون در کاخ شاهی بود که اسکندر
 گجستگ به تاراج برد •
تال - سیم وزر •
ترمه - پارچه ای زیبا و پرنگار •
تلا - زر •
تلا بانو - بانوی تلایی • زرین •
تلا دخت - دختر زرین • تلایی •
تلا داد - ارزشمند • زرداده • پربها •
تلا زاد - زاده زر • پاک نژاد • ارچه
تلا فشان - تلاگستر • زربخش •
توتیا - سرمه چشم •
توری - پارچه نازک • دندانهای نگاره
 تیارا - تاج •
جش - (مانند هم) : مهره ای کبود از
 آبگینه • رنگ فیروزه • نگین •

جلنگ - (مانند بهشت) : پارچه ای
 ابریشمین و زرتار •
چوری - النگوو دستبند به خراسانی •
چوری بانو - بانوی النگویی • زیبا •
چوری دخت - دختر النگو • دلربا •
خوبرنگ - زیبا • گیرا • فریبا •
خوش رنگ - نگد به " خوبرنگ " •
خوشآب - مروارید تر و تازه •
داچک - (مانند ناوک) : گوشواره •
داهیم - تاج گوهرین •
درا فشان - خوش سخن •
درییز - خوش گفتار •
دردانه - مروارید • یکتا • نازنین •
درواره - (مانند گل پاره) : مانند در •
ارزشمند • گرانها • گوهرین •
دریانه - (مانند دردانه) : مانند در •
گوهر • گرانها • گرانمایه • گوهرین
دستینه - دستبند زنان •
دستوانه - دستبند زنان •
دیبا - پارچه گرانها • زیبا •
دیباک - دیبای دوست داشتنی •
دیبا بانو - بانوی ارزشمند و باارج •
دیبا دخت - دختر ارزشمند و باارج •
دیه - پارچه ابریشمی زیبا • دیبا
دیناری - زر سرخ • می لاله گون •

جامه ابریشمین •
دیهم - تاج گوهر • افسر • خرمن ماه
رنگریزه - رنگارنگ • رنگین •
رنگین - رنگارنگ • گیرا • زیبا •
رنگینا - رنگارنگ • گونه گون • گیرا •
 نام میوه ای است •
رنگینان - نگد به " رنگینا " •
رنگینک - گونه ای شیرینی •
رنگینه - گونه ای شیرینی •
ریماز - (مانند شیراز) : جامه ای نازک
 و کیمیا •
زبرجد
زر
زرآسا
زرآفرین
زرآور
زر افسر
زرافشان
زرانگیز
زربانو
زر برگ
زربفت - بافته شده از زر •
زربنیاد - بزرگزاده • نژاده • والّا •
زریوش
زرتار
زرتلی - زرناب و سره •

سیم دخت - دختر سیمین •
 سیم فر - برتر از نغره • ارزشمند •
 سیمگون - مانند نغره
 سیمگونه - همسان نغره
 سیمین
 سیمین بانو
 سیمین بخت
 سیمین تاج
 سیمین دخت
 سیمین فر
 سیمینه
 سیم یار - یار سیمین • توانگر •
 سیه بادام - چشم سیاه • زیبا • غشنگ
 شب آرا - رخشان • روشنی بخش • ماه
 شبچراغ - گوهر •
 شادانه - سرخ و زیبا • پیشکش •
 شاد رنگ - شاد کننده • خرمی بخش •
 شاهجانی - پارچه ای نرم و زیبا که در
 مرو بافته میشود •
 شیرنگ - درخشان • فروزان • تابناک
 شهبان - (مانند مهسا) : سپیدآمیخته
 به سیاه •
 شهر آئین - زیبا • پرزیور • چراغانی
 شهر آرا - زیور بخش • آراسته گر •
 شهر روا - زر و سیم •
 فر تاج - زیبا و گرانبها •

سیزک - سبز دوست داشتنی •
 سیزه نگار - یارگندم گون •
 سبز بخت - خوشبخت • کامروا •
 سپیتی - سفید و درخشان •
 سپیتی بانو - بانوی سپید و رخشان
 سپیتی دخت - دختر پر فروغ و زیبا
 سپید
 سپیدان
 سپید بانو
 سپید تاج
 سپید دخت
 سپیدک
 سپیدگون
 سپیدوش
 سپیده - رنگ بامدادی • پگاه •
 سرمه - سیاه کن چشم برای زیبایی •
 سفید بخت - خوشبخت •
 سوری - هر چیز سرخ رنگمانند می،
 زیبا رخ گلگون •
 سوری بانو - بانوی گلگونه و زیبا •
 سوری دخت - دختر گلگونه و دلربا
 سورینه - گلگونه • غشنگ •
 سوزه - سبزرنگ چمنی به کردی ولری
 سیرمان - ابریشم • یاغوت سرخ •
 سیفور - پارچه ابریشمی •
 سیماب - نغره ای • جیوه •
 سیم بانو - بانوی زیبا چون نغره •
 سیم تاج - تاج نغره ای •

زرداد
 زر دخت
 زردختر
 زر دیس
 زرزاد
 زرساو - زر ناب
 زرساوه - براده زر • زر ریزه •
 زرستان
 زرگون
 زرگزین
 زر گل
 زرفشان
 زرقام
 زرگیس
 زرمان - همانند زر • زیبا و دلربا •
 زرماندخت - بسیار زیبا • همانند زر
 زرناب - بیهمتا • خوب • یگانه •
 زرنگین
 زرنوش
 زریان
 زری
 زری بانو
 زری دخت
 زرین
 زرین افسر
 زرین بانو
 زرین بخت
 زرین تاج
 زرین چوچه - زرین پستان • زرین
 سینه • دلربا • غشنگ •
 زرین ترنج - خورشید • مهر • میترا •
 زرین دخت
 زرین گون
 زرینه - تلایی • زیبا • گرانبها •
 زرین هور - خورشید درخشان •
 زمرد
 زمرد آفرید
 زمرد آفرین
 زمرد بانو
 زمرد تاج
 زمرد دخت
 زیب فر
 زبینه - آرایش یافته • پسندیده •
 زبیه - زیبا • خوشگل • غشنگ •
 زیور
 زیور آفرید
 زیور آفرین
 زیور بانو
 زیور تاج
 زیور داد
 زیور دخت
 زیور زاد
 ساچی - سپیده
 سبزیری - نگارگندمگون •

فرسب - (مانند سمند) : جامه‌های رنگین و گوناگون روزهای شادمانی
 فری تاج - تاج زیبا .
 فروش - رنگ سرخ گون .
 فیروزه - سنگ گرانبهای آبی رنگ .
 فیروزه بانو
 فیروزه تاج
 فیروزه تخت - آسمان .
 فیروزه دخت
 فیروزه قام - آسمان . فیروزه مانند .
 کاج - مروارید . آبگینه .
 کلون - آبی پر رنگ .
 کهریا - سنگ زیوری
 کپله - (مانند بهره) : زر و سیم
 ریزه . زر سپید .
 کیارنگ - سپید . خوشرنگ . پاکیزه .
 کیمیا - نایاب . زر سره . ارزشمند .
 کیمیا دخت - دختر ارزشمند .
 گریواره - شایسته گردن . گردنبند
 گلابتون
 گل آئین
 گل آرا
 گل تاج
 گلرنگ
 گل زر
 گل زرین

کلفام
 گلگونه
 کلی
 گنجار - گلگونه .
 گونا - رنگارنگ
 گوهر
 گوهر آفرید
 گوهر آفرین
 گوهر آکین
 گوهر آمیغ - گوهر آمیخته .
 گوهران
 گوهر افشان
 گوهر بار
 گوهر بانو
 گوهر بخش
 گوهر بن - با نژاد . والاتبار . بزرگ
 گوهر بیز
 گوهر تاب
 گوهر تاج
 گوهر چاک
 گوهر داد
 گوهر دخت
 گوهر دینز - همانند گوهر .
 گوهر دیس
 گوهر ریز
 گوهر زا
 گوهر زاد
 گوهر سان

گوهر شاد
 گوهر شید - گوهر درخشان و تابناک .
 گوهر فشان
 گوهر ماه
 گوهر مهر
 گوهر ناز
 گوهر نام
 گوهر نشان
 گوهر نگار
 گوهر وار
 گوهره
 گوهر یاب
 گوهر یار
 گوهری
 گوهرین
 گوهرینه
 کهر
 کهر آفرید
 کهر آفرین
 کهر بار
 کهر بخش
 کهر بییز
 کهر تاب
 کهر تاج
 کهر داد
 کهر دخت
 کهر زا
 کهر زاد

کهر فر
 کهر فشان
 کهر نشان
 کهر نگار
 کهر وار
 کهر یاب
 کهر یار
 لال - رنگ سرخ و گوهری بزرگ که
 کان آن در بدخشان است . این واژه
 را تازیان " لعل " کرده‌اند .
 لالس - (مانند ساوه) : پارچه ابریشم
 نازک و سرخ‌رنگ .
 لالک - (مانند باده) : تاج خروس
 لالکا - (مانند ناروا) : تاج خروس .
 ماردی - رنگ سرخ و گلگونه .
 ماهو - (مانند کاهو) : زیب و زیور .
 مرجان
 مرجان آفرید
 مرجان آفرین
 مرجان تاج
 مرجان دخت
 مرجانک
 مرجانه
 مرمر
 مرمر داد
 مرمر زاد

